روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

چهارشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۹۶ ■ ۱۴ رجب ۱۴۳۸ ■ ۱۲ آوریل ۲۰۱۷ ■ سال نهم ■ شماره ۲۱۳۳ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان
■ ۱۱۷۸ سال و ۱۲۵ روز گذشت
VATAN-E-EMROOZ ■ VoL.09 ■ No.2133 ■ Wed.Apr.12, 2017 ■ ISSN:2008-2886

رهبر انقلاب در دیدار نوروزی جمعی از مسؤولان نظام:

وارداتی باید متوقف شود که کارخانه‌ها را تعطیل می‌کند

صفحه ۲

بذرپاش با اشاره به بی‌توجهی دولت به سرمایه‌های انسانی:

پاسخگوی عملکرد ضعیفشان در تأمین اشتغال باشند

صفحه ۵

حسن روحانی در نشست خبری
ماجرای وعده انتخاباتی حل مشکلات در ۱۰۰ روز را بشدت انکار کرد

من نگفتم!

مگر اینکه آدمی عقل نداشته باشد این حرف را بزند

عکس: آرمین کرمی، فارس

صفحه ۲

تیتر امروز

در نخستین روز نام‌نویسی نامزدهای دوره دوازدهم انتخابات ریاست‌جمهوری بیش از ۱۰۰ نفر ثبت‌نام کردند

استارت انتخابات

صفحه ۲

یادداشت یک

۱۰۰ روز، پیشکش! ۱۰۰۰ روز را بگو

■ حسین قدیانی

از بدترین تهمت‌ها، تهمت «دروغ» است. اینکه برداری به یکی، نسبت خلاف واقع بدهی. حرفی را نزده، تو اما مدعی شوی زده. برای ما اصحاب رسانه اما احتمال آلوده شدن به این تهمت، این گناه، این خطر، شاید از همه بیشتر باشد. باشد که براساس فریضه «ابتدا سیم‌خاردار نفس»، قبل از نوشتن هر یادداشتی یا پیش از تنظیم هر خبری، ابتدا از صحت آن مطمئن شویم. با این همه، ۴ سال پیش در چنین روزهایی نامزدی بوده که داعیه داشته و صراحتا گفته «در برنامه مدون من، برنامه کوتاه‌مدت یک‌ماهه و ۱۰۰ روزه وجود دارد؛ ما می‌توانیم در یک زمان کوتاه، تحول اقتصادی در کشور به وجود آوریم و در آن تحول اقتصادی، بتوانیم با ایجاد یک دوره تنفس به کارخانه‌ها و مراکز تولیدی که امروز مشکل دارند، مشکلات آنها را در آن مدت کوتاه حل و فصل کنیم.» ما هم، بی‌هیچ کم و کاستی، عین وعده او را منتشر کردیم. طرفه حکایت اینجاست که آن نامزد، زد و رئیس‌جمهور شد و حالا اما ۴ سال بعد از وعده داده شده، ما اصحاب رسانه را متهم به «دروغ بزرگ» می‌کند! که چی؟! که من، آن وعده را ندادم، بلکه چیز دیگری گفتم! و آنقدر هم مطمئن انکار می‌کند که امر بر خود ما مشتبه می‌شود که نکند واقعا آن وعده را نداده باشد! شک می‌کنیم و برای محکم‌کاری، بازمی‌گردیم به ۴ سال قبل! متاسفانه یا خوشبختانه، مجبور می‌شویم حق را به خودمان بدهیم، چرا که مطمئن‌تر از قبل، از صحت خبرمان اطمینان حاصل می‌کنیم! با این همه، پرسشی اساسی در ذهن ما نقش می‌بندد: «وقتی وعده مد نظر، صریحا داده شده، چرا بی‌خود و بی‌جهت باید تهمت «دروغ بزرگ» را دشت کنیم؟!» بخوانید: «یک دروغ بزرگی در بعضی روزنامه‌ها و سایت‌ها پخش می‌شود؛ من کی گفتم ۱۰۰ روزه حل می‌کنم؟! چیزی که من گفتم، این است: «من اگر موفق شوم در انتخابات، پایان ۱۰۰ روز اول، کارهایی که در این ۱۰۰ روز کردم را اعلام می‌کنم». عین صحبت‌های مرا بیاورید». در این‌باره، اشاره به نکاتی لازم است:

۱- مخاطب محترم مشاهده می‌کند که در سطور بالا «عین صحبت‌ها»ی ایشان در آن مقطع را بازنشر کردیم. همه چیز روشن و واضح است.

۲- وعده فوق‌الذکر، دقت شود که وعده ایشان بوده به مردم، نه حرف ما! اینکه ایام تبلیغات نباید وعده‌های توخالی داد، اتفاقا سخن ما با نامزدهای محترم، من‌جمله ایشان است! چه خوب هنگامی که متأثر از جو تبلیغاتی، حرف می‌زنیم و وعده می‌دهیم، فکر فردا هم باشیم که تحقق این وعده‌ها را، لاجرم مردم از ما مطالبه می‌کنند!

۳- ما از آنجا که فی حد ذاته دوست نداریم برای دست‌اندرکاران مدیریت اجرایی کشور، حتی تصور حرف ناراست داشته باشیم، فرض را بر این می‌گیریم که آقایان، بعضا به بلیه نسیان و فراموشی دچار می‌شوند! یعنی همان که خود فرمودند؛ «آلزایمر سیاسی!» با این همه، خوب است متولیان امر، حرمت امامزاده اجرایی کشور را بهتر و بیشتر پاس بدارند و با سخنان خود، یعنی با دست خود، مردم را به داوری‌های آنچنانی مجبور نکنند!

۴- بحث وعده ۱۰۰ روزه، بحث بر سر راست و دروغ یا صحت و سقم فلان سخن است که الحمدلله، همه چیز مثل روز روشن است و دیوار حاشا هم آنقدر بلند نیست که بعضی‌ها فکر می‌کنند!

ادامه در صفحه ۵

نگاه امروز

بالاترین خیانت به یک ملت آن است که...

■ امیر استکی

بالاترین خیانت به یک ملت آن است که یک کسی به مردم آمار و حرف دروغ بگوید. بویژه دروغی که باعث یأس و ناامیدی مردم شود و به واسطه آن دروغ‌ها مردم بگویند بعد از ۳۹ سال نتیجه این همه خون و فرازونشیب و فداکاری چه شد؟

(دکتر حسن روحانی، ۲۱ فروردین ۹۶)

رئیس‌جمهور در پاسخ به پرسش یک خبرنگار مبنی بر اینکه «شما وعده حل مشکلات اقتصادی مردم را دادید و گفتید در برنامه‌تان، برنامه مدون ۱۰۰ روزه هست. اما ۳۰ اسفند سال گذشته و پس از ۴ سال گفتید ۱۰ دولت بعدی هم نخواهند توانست مشکلات را حل کنند؛ چه اتفاقی افتاده که نظر شما تغییر کرد و حل مشکلات از ۱۰۰ روز به ۴۰ سال رسید؟» گفت: «سوال خوبی بود، چون یک دروغ بزرگی در روزنامه‌ها و سایت‌ها در این زمینه پخش می‌شود. چه زمانی گفتم ۱۰۰ روزه حل می‌کنم؟ گفتم در پایان ۱۰۰ روز کارهایی که موفق به حل کردن شدم را اعلام می‌کنم».

جلال آل‌احمد در یکی از کتاب‌هایش نقلی از استاد تاریخ‌شان در دوران تحصیل خود می‌کند به این صورت که استاد مورد نظر اعتقاد داشته است باید حداقل ۱۰۰ سال از رویدادهای تاریخی بگذرد تا همه جوانب آنها مشخص شود و بشود درباره آنها به قضاوت نشست. مرحوم آل‌احمد در کتابش مفصلا این عقیده را نقد می‌کند و معتقد است افتادن به وادی چنین تصوراتی آدمی را از منبع غنی و پرکاربردی از تجربیات و مسائلی که باید از آنان درس گرفت محروم و به نوعی ارتباط آدمی با تاریخ خود را قطع می‌کند. شاید اگر آن استاد تاریخ امروز می‌زیست نظر خود را از ۱۰۰ سال به ۴ یا ۵ سال تقلیل می‌داد و می‌گفت باید مثلا ۴ سال از یک رویداد و یا سخن تاثیرگذار بگذرد تا بشود درباره آن به قضاوت نشست. سرعت در حد انفجار تولید محتوا در این روزگار شاید همان ۴ سال را هم بسیار زیاد از حد کرده باشد و نکته دقیقا همینجاست که گویا گذر زمان در روزگار ما نسبت به گذشته کندتر شده و ۴ سال حکم ۱۰۰ سال را پیدا کرده و اینگونه است که پس از ۴ سال یک فرد می‌تواند اینچنین سخن خود را حاشا کند و بگوید من کی گفتم؟ عزیز بزرگوار! شما تقریبا همان ۴ سال پیش گفتید. رئیس‌جمهوری در برنامه‌های تبلیغاتی خود در سال ۹۲ گفته بود: «در برنامه میان‌مدت علاوه بر برنامه برای حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاست داخلی و خارجی و امور فرهنگی، برنامه کوتاه‌مدت یک ماهه و ۱۰۰ روزه‌ای وجود دارد؛ می‌توانیم در یک زمان کوتاه تحول اقتصادی در کشور به‌وجود آوریم و در آن تحول اقتصادی بتوانیم با ایجاد یک دوره تنفس به کارخانه‌ها و مراکز تولیدی که مشکل دارند، مشکلات آنها را در مدت کوتاه حل و فصل کنیم». البته درست است که رئیس‌جمهور همانگونه که به قول خودشان هیچ آدم عاقلی اینگونه نمی‌گوید، نگفته است همه مشکلات را در ۱۰۰ روز حل خواهم کرد اما این هم نکته بسیار مهمی است که ایشان این را هم نگفته‌اند که فقط پس از ۱۰۰ روز گزارش عملکرد خواهم داد، بلکه صحبت از برنامه کوتاه‌مدت برای ایجاد تحول و دادن تنفس به بنگاه‌ها و... بوده است که نه‌تنها در آن ۱۰۰ روز کذایی بلکه در این ۳/۵ سال عمر دولت ایشان هم محقق نشده‌اند. بله! باید در اینجا به جناب روحانی گفت هیچ آدم عاقلی هم انتظار حل ۱۰۰ روزه مشکلات را نداشته و نخواهد داشت و منظور آنهایی که از وعده ۱۰۰ روزه شما می‌پرسند دقیقا پرسش از همان چیزی است که جنابعالی وعده داده بودید؛ ایجاد تحول به گونه‌ای که ملت تغییر را احساس کند. جالب‌تر اینکه در گزارشی که پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری از کنفرانس خبری بیست‌ویکم فروردین ریاست محترم جمهور منتشر کرده است، قسمت مربوط به سخنان ایشان درباره وعده ۱۰۰ روزه به‌کلی پوشش داده نشده است یا حذف شده و آن بندگان خدایی که مدیریت این پایگاه را بر عهده دارند احتمالا بیشتر از جناب رئیس‌جمهور از آنچه ایشان گفته‌اند اطلاع دارند و خلاصه مصلحت ندیده‌اند به دست خودشان گزک دست منتقدان بدهند و حداقل به بهای سانسور آن قسمت از حرف‌های رئیس‌جمهور، خودزنی نکرده باشند، حال آنکه فراموش کرده‌اند در عصر ارتباطات و اطلاعات هیچ سخنی جا نمی‌ماند و همه‌چیز از این همه درگاه رسانه‌ای ثبت و ضبط و منتشر می‌شود. البته این خطاهای فاحش منحصر در به یاد آوردن حرف‌ها و وعده‌ها نیست و ریاست محترم جمهور در ارائه آمار و ارقام و ترسیم وضعیت مشکلات کشور هم دچار خطا و اشتباهات متعددی شده‌اند. مثلا ایشان در همان کنفرانس خبری معتقدند: «هیچ بحرانی وجود ندارد؛ یکی از افتخارات دولت این است که تورم را تک‌رقمی کرده، چیزی که از ابتدا دنبال آن بود و بعد از ۲۶ سال تورم کشور، تک‌رقمی شد. یکی از افتخارات بزرگ ما این است که شرایط بانک‌ها امسال بهتر از پارسال است، از بانک ملی بپرسید که سرمایه‌اش امسال نسبت به پارسال چه وضعی دارد؟ خود رئیس بانک ملی به من گفت کاری که سال گذشته نسبت به بانک ملی انجام شده در تاریخ این بانک سابقه نداشته است. بنابراین وضع بانک‌ها امروز بهتر از دیروز است.» البته اینکه رئیس‌جمهور افزایش سرمایه یک بانک دولتی را که اصولا ضریب کفایت سرمایه برای آنها آنچنان موضوعیتی ندارد به عنوان نشانه خوب بودن اوضاع کل بانک‌ها و بهتر شدن وضعیت آنها می‌داند ولی علاقه‌ای ندارد وضعیت کلی بانک‌ها را از یک نگاه جامع‌تر مشاهده کرده و نه‌تنها بحران بلکه فاجعه پولی و مالی را در کشور ببیند، ناشی از همان بی‌دقتی و سهل‌انگاری است که گویا چند وقتی است به این بزرگوار عارض شده است. فقط کافی است از رئیس بانک مرکزی بخواهند تا برای‌شان توضیح بدهند چگونه یک‌شبه فقط با اعمال استانداردهای جدید و اصولی حسابداری مالی، بانک‌های بزرگ ملت، صادرات و تجارت از سودهای چند هزار میلیاردی شناسایی شده به ضررهای چندین برابری غلتیده‌اند. اتفاقی که برای بانک ملت افتاد نشان می‌دهد تغییر استانداردهای حسابداری و استفاده از استانداردهای جهانی جدید می‌تواند یک بانک با ۱۲۳۸ میلیارد تومان سود را به بانکی با ۱۸۴۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان ضرر تبدیل کند. بانک تجارت در صورت‌های مالی سال گذشته ۶۰۴ میلیارد تومان سود خالص شناسایی کرد اما با اعمال استانداردهای جدید این سود جای خود را با ضرر ۳۰۰۷ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومانی عوض کرد. تا جایی که بانک مرکزی از فشار به مابقی بانک‌ها برای ارائه صورت‌های مالی خود با این استانداردها کوتاه آمد، اگرنه وضعیت ترازنامه مابقی بانک‌ها هم به چنین روزگاری دچار می‌شد. کمی شفافیت، وضعیت بانک‌ها را از خوبی‌ای که در ذهن رئیس‌جمهور است، به فاجعه‌ای که در واقع در آن هستند تغییر خواهد داد.

رئیس‌جمهوری درباره پایین آوردن تورم گفت: «خواست ما از بانک‌ها این بود که تسهیلاتی که داده می‌شد با نرخ سود کمتری داده شود برای اینکه بانک‌ها بتوانند نرخ سود را کمتر کنند، خود به خود سود سپرده را هم باید پایین آورند و باید هر دو را با هم انجام دهند البته نه به صورت دستوری، چون در دولت قبل آزمایش شد و هر چیزی که به بانک‌ها به صورت دستوری گفته شد، عملیاتی نشد لذا با بانک‌ها هماهنگی شد. کاری که بانک مرکزی در این زمینه انجام داد سود بین‌بانکی بود. سود بین‌بانکی را پایین آورد و این باعث شد سود تسهیلات هم پایین آمد. یعنی اگر نسبت به اول دولت نگاه کنید هم سود تسهیلات و هم سود بین‌بانکی پایین آمده است. سود بین‌بانکی از حدود ۲۷ الی ۲۸ درصد به ۱۸،۱۹ درصد رسیده است.» البته رئیس‌جمهور گویا خبر ندارند سود اوراق خزانه اسلامی که توسط دولت منتشر شده است در بازار اوراق خزانه در کانال ۲۵ درصد تثبیت شده است و از این هم که بگذریم خود دولت رسما این اوراق را با سود ۲۰ درصد منتشر کرده است که باز هم از آنچه ایشان مدعی شده‌اند بیشتر است. جالب آنجاست که عمده مشتری این اوراق خود بانک‌ها هستند و اگر در جایی مثلا بازار بین بانکی تسهیلاتی با سودی آنچنان که رئیس‌جمهور مدعی است در کانال ۱۸ یا ۱۹ درصد وجود داشت، هیچ بانکی با نرخ ۲۰ درصد به بالا به خرید این اوراق مبادرت نمی‌کرد. نکته مهم‌تر اینکه نرخ سود در این بازار محرمانه شده است و قطعا اگر در کانال ادعایی رئیس‌جمهور بود دلیلی برای این محرمانگی وجود نداشت. می‌شود تمام صفحات این روزنامه را از این مثال‌ها و تناقضات پر کرد ولی بیش از این لازم نیست، چرا که هدف در اینجا بررسی وضعیت نظام بانکی نیست بلکه نشان دادن بی‌دقتی و خطای رئیس‌جمهور در ارائه آمار و ارقام و وضعیت و مسائل کشور است. مساله‌ای که به دنبال همان فرافکنی رئیس‌جمهور در باب وعده‌های ۱۰۰ روزه‌اش محل بحث و بررسی قرار گرفت. اینجاست که باید به رئیس‌جمهور عزیز گفت منتقدان، ماشین دودی نیستند بلکه این ماشین فرسوده و فسیل شده دولت یازدهم است که دودزاست، منتقدان فقط دودهای این ماشین دودی مستعمل را به شما نشان می‌دهند. شما البته مختارید ببینید یا نخواهید ببینید ولی ملت در این فضا تنفس می‌کند و پای صندوق‌های رای نتیجه عملکرد شما را به قضاوت خواهد نشست.

یادداشت امروز

درباره کنفرانس خبری آقای روحانی

۱۰۰ دقیقه تلاش برای تضاد با خویشتن

■ محمد زعیم‌زاده ■

کنفرانس خبری روز دوشنبه حجت‌الاسلام روحانی درست یک روز قبل از آغاز ثبت‌نام‌های انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم و احتمالا با هدف استفاده حداکثری از ظرفیت تبلیغی دولت مستقر در حالی برگزار شد که به نظر می‌رسد خروجی آن با اهداف مدنظر جناب رئیس‌جمهور و مجموعه مشاورانش که در این کنفراس هم از کوچینگ صریح رئیس‌جمهور حتی جلوی دوربین‌ها غافل نبودند، فرسنگ‌ها فاصله دارد.

حقیقت این است که از جهت محتوای ارائه‌شده توسط جناب رئیس‌جمهور در کنفرانس خبری، خود نگارنده در بدایت امر از باب تکثر سوژه‌های تیترخور دچار نوعی سرگیجه شدم؛ جناب روحانی در کنفرانس خبری یک ساعت و ۴۰ دقیقه‌ای خود آنقدر سوژه به همکاران ما داده‌اند که احتمالا امروز همه اصحاب رسانه برای انتخاب تیتر دچار وفور نعمت هستند اما سوالی که برای بنده پیش آمد این بود که حقا و انصافا نخ تسبیح این همه ضدونقیض‌گویی کجاست؟

آنچه عجالتا الان به ذهنم می‌رسد و قبل‌تر هم اندکی شرح دادم اما به نظر می‌رسد در روز دوشنبه خود رئیس‌جمهور آن را با مثال‌های متعددی شرح داد، دور بودن مسؤولان دولتی از واقعیت‌های جامعه یا تلاش برای دور ماندن از واقعیت‌هاست، نکته‌ای که روح حاکم بر سخنان رئیس‌جمهور در روز دوشنبه بود و در جای‌جای سخنان ایشان می‌توان مثال‌های متعددی برای این قضیه برشمرد.

طنز تلخ ماجرا اینجاست که جناب روحانی در حالی تلاش وافری انجام دادند که تصویری گل و بلبل از اوضاع اقتصادی ترسیم کنند که سعی خودشان در توجیه وضعیت اقتصادی دهک‌های پایین جامعه بخوبی نشان می‌دهد درام بودن اوضاع تا حدودی برای‌شان روشن است اما حتی برای نمایش در مرز واقعیت بودن و حفظ پرستیژ واقع‌نمایی به خود زحمت نمی‌دهند چند انتقاد ساده را هم بپذیرند.

جناب روحانی برای طی این مسیر یعنی خارج از واقعیت ماندن، ۲ راه را در پیش گرفته است؛ اول تکذیب هر آنچه قبلا وعده داده بود و به عبارتی تکذیب خود و تضاد با خویشتن- حتی آن وعده‌هایی که در ذهن مردم ته‌نشین شده است - و دیگری انداختن همه مصیبت‌ها گردن دولت قبل.

قله تلاش رئیس‌جمهور برای طی راه اول تکذیب وعده ۱۰۰ روزه خود برای حل مشکلات بود، مساله‌ای که نشان داد جناب روحانی تقریبا توانایی تکذیب همه چیز را دارند و برای رسیدن به هدف اساسا نگران مخاطب هم نیستند و فکر می‌کنند به سبک دوره قاجار تنها رسانه‌ای هم که وجود دارد همین تریبونی است که ایشان در اختیار دارند. بعید است جناب روحانی فراموش کرده باشند در نخستین سخنرانی خود بعد از پیروزی در انتخابات و پس از تجدید میثاق با آرمان‌های حضرت امام(ره) گفته است: «وعده می‌دهیم طبق سخنان قبلی، حتماً طی ۱۰۰ روز اول و حتی کوتاه‌تر از آن، اقدامات ضروری و فوری را برای رونق‌بخشی اقتصادی و حل مشکلات انجام دهیم.» پس چطور در روز روشن می‌گوید چنین حرفی نزدم و عده‌ای تخریب‌گر آن را به من نسبت دادند؟

بعید است جناب روحانی نداند که اسفند ۹۵ و پس از یک انتظار یک ساله برای اعلام نرخ رشد اقتصادی در سال ۹۴، چه آماری ارائه شد و ایشان روز دوشنبه و در روز روشن رشد اقتصادی سال ۹۴ را مثبت اعلام می‌کند. بعید است ایشان یا مسؤول دیگر از وضعیت معیشتی مردم، از خیمه سنگین رکود بر اقتصاد کشور و سونامی تعطیلی کارخانه‌ها خبر نداشته باشد و با اطلاع از نرخ بیکاری و... اینچنین درباره اقتصاد تصویر گل و بلبلی ترسیم کند.

بعید است جناب روحانی فراموش کرده باشد که در زمان تبلیغات انتخابات یازدهم چگونه همه مسائل را ساده‌سازی و این تصویر را ارائه کرد که با بستن با کدخدا همه مشکلات حل می‌شود و خود را متخصص بستن با کدخدا دانست و حالا بگوید من کی گفتم چنین و چنان می‌شود. حالا سوال این است: دلیل این همه تلاش برای دور بودن از واقعیت‌ها چیست؟

ادامه در صفحه ۵

www.vatanemrooz.ir